

دولت و فرهنگ دینی

بر اساس دیدگاه مقام معظم رهبری
حضرت آیت الله سید علی خامنه‌ای

دولت و فرهنگ دینی: بر اساس دیدگاه مقام معظم رهبری «حضرت آیت الله سید علی خامنه‌ای»، به کوشش حسین علیزاده، و همکاری مهدی بزرگی، سلمان رضوی، تهیه کننده مؤسسه فرهنگی هنری عرش پژوه (دفتر مطالعات توسعه فرهنگ دینی). — تهران: عرش پژوه، ۱۳۸۴.
۲۷۴ ص: جدول.

ISBN 964-94751-3-3

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه: ص [۲۷۱] - ۲۷۴: همچنین به صورت زیرنویس.

۱. خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ - - نظریه درباره دین و سیاست. ۲. دین و سیاست. الف. علیزاده، حسین: ۱۳۴۱ - ب. بزرگی، مهدی. ج. رضوی، سلمان. د. مؤسسه فرهنگی هنری عرش پژوه. ه. عنوان.

۶۵۵/۰۸۴۵

DSR۱۶۹۲/۵۹۵۸۷

م۸۳-۵۵۲۷

کتابخانه ملی ایران

آدرس: خیابان فلسطین، روبروی سفارت فلسطین، پلاک ۹۴، طبقه دوم صندوق پستی: ۱۱۵۹ - ۱۴۱۵۵
تلفن: ۶۴۶۴۵۸۲ فاکس: ۶۴۶۱۱۳۷ پست الکترونیکی: info@api.ir صفحه الکترونیکی: www.api.ir

شناسنامه

دولت و فرهنگ دینی (براساس دیدگاه حضرت آیت الله سید علی خامنه‌ای)

به کوشش: حسین علیزاده و همکاری سید مهدی بزرگی، سلمان رضوی

تهیه کننده: مؤسسه فرهنگی، هنری عرش پژوه (دفتر مطالعات توسعه فرهنگ دینی)

ویراستار: فروغ کاظمی

ویرایش و صفحه‌آرایی: امیر شهیدی یکتا، محمود فلاح پرویزی

حروفچین: مرتضی رجبی

ناشر: انتشارات عرش پژوه

چاپ اول: بهار ۱۳۸۴

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی و چاپ: هاشمیان ۷۶۰۵۰۲۸ - ۷۵۲۹۳۴۹

«حق چاپ محفوظ می‌باشد.»

مؤسسه فرهنگی - هنری عرش پژوه مفتخر است که با هدف خدمت به ساماندهی و توسعه فرهنگ دینی و مطالعه در امور مرتبط با حوزه اجتماعی دین، با بهره‌وری از دانشهای گوناگون و بهره‌مندی از آراء صاحب‌نظران و اندیشمندان، برای زمینه‌سازی اجرا و تحقق فرهنگ اسلامی و دینی، در نهادهای مختلف جامعه تلاش نماید.

امید است محققان، پژوهشگران و صاحب‌نظران ارجمند، با نقد آثار منتشر شده، ما را در این راستا یاری نمایند.

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۹
مقدمه.....	۱۳
بخش اول - مناسبات دین و دولت (در قلمرو دین).....	۲۱
۱. مبانی نظری دولت دینی.....	۲۳
۱.۱ جایگاه حکومت در اسلام.....	۲۵
۱.۲ ساختار دولت اسلامی.....	۲۸
۱.۳ مبنای مشروعیت در نظام اسلامی.....	۲۹
۱.۴ رابطه دین و سیاست.....	۳۰
۱.۵ ویژگی‌های حاکم اسلامی.....	۳۵
۱.۶ الگوهای گوناگون حاکمیت.....	۳۶
۱.۷ امام خمینی (ره) و الگوهای جایگزین.....	۴۱
۲. تعامل دین و دولت.....	۴۹
۲.۱ اهداف دولت اسلامی.....	۴۹
۲.۲ کار ویژه‌های دولت اسلامی.....	۵۱
۳. نقش دین در استقرار و هدایت دولت.....	۵۳
۳.۱ مواضع چهارگانه دین در استقرار دولت دینی.....	۵۳
۳.۲ اقتدار و دین.....	۵۶
۳.۳ دین، دولت و دیدگاه‌ها.....	۵۶
بخش دوم - مناسبات دولت و دین (در قلمرو دولت).....	۶۳
۴. وظایف و مسئولیت‌های دولت دینی.....	۶۵
۴.۱ توسعه فرهنگ دینی.....	۶۵
۴.۲ تأمین عدالت اجتماعی.....	۷۳
۴.۳ تأمین آزادی.....	۷۳

- ۴.۴ تعمیق، گسترش و مرزبانی فرهنگ دینی..... ۷۷
- ۴.۵ اهتمام به مسئله امر به معروف و نهی از منکر..... ۸۳
۵. حقوق مردم در نظام سیاسی اسلام..... ۸۵
- ۵.۱ مقوله مشارکت در نظام اسلامی..... ۹۰
- ۵.۲ مقوله مشروعیت در نظام ولایت فقیه..... ۹۵
- ۵.۳ مبانی فقهی مشارکت مردمی..... ۱۰۳
- ۵.۴ ولایت فقیه و حاکمیت مردم..... ۱۱۲
- ۵.۵ کثرت‌گرایی سیاسی در نظام ولایت فقیه..... ۱۱۸
۶. مردم‌سالاری در قانون اساسی..... ۱۲۳
۷. عملکرد نظام جمهوری اسلامی در تحقق اصل جمهوریت..... ۱۲۹
- ۷.۱ سیره امام در تحقق اصل جمهوریت..... ۱۳۱
- ۷.۲ مردم‌سالاری و توسعه فرهنگ دینی..... ۱۳۳
۸. مردم‌سالاری دینی در دیدگاه مقام معظم رهبری..... ۱۴۳
۹. انتظارات و مطالبات مردم از حکومت دینی..... ۱۴۹
۱۰. وظایف دولت دینی در عرصه فرهنگ و هنر..... ۱۵۷
- ۱۰.۱ ویژگی‌های فرهنگ دینی..... ۱۵۷
- ۱۰.۲ جایگاه مردم در حفظ و اشاعه فرهنگ اسلامی..... ۱۶۲
- ۱۰.۳ وظایف دولت در قبال فرهنگ و هنر اسلامی..... ۱۶۳
۱۱. نهادهای مؤثر در توسعه فرهنگ دینی..... ۱۶۷
- ۱۱.۱ روحانیت..... ۱۶۷
- ۱۱.۲ دانشگاه..... ۱۷۷

۱۲. سازمان‌ها، نهادها و رسانه‌های مؤثر در توسعه فرهنگ دینی..... ۱۹۳

۱.۱۲ سازمان تبلیغات اسلامی..... ۱۹۳

۱۲.۲ نماز جمعه..... ۲۰۱

۱۲.۳ صدا و سیما..... ۲۰۲

۱۲.۴ مطبوعات..... ۲۰۷

۱۲.۵ نیروهای نظامی..... ۲۱۲

۱۳. آسیب‌شناسی فرهنگ دینی با تأکید بر دو دهه اخیر انقلاب..... ۲۲۷

۱۳.۱ چالش تخصص و تعهد..... ۲۲۷

۱۳.۲ ناکارآمد جلوه دادن حکومت اسلامی..... ۲۳۰

۱۴. مدینه پیامبر(ص)، الگوی همیشگی حکومت دینی..... ۲۳۷

۱۴.۱ اقدامات سیاسی پیامبر(ص) در مدینه..... ۲۴۰

۱۴.۲ دشمنان پیامبر(ص)..... ۲۴۱

۱۴.۳ شاخص‌های حکومت پیامبر(ص)..... ۲۴۴

۱۴.۴ دولت پیامبر(ص)، و نظام جمهوری اسلامی ایران..... ۲۴۶

نتیجه‌گیری..... ۲۴۹

کتابنامه..... ۲۶۹

پیشگفتار

ضرورت و اهمیت توسعه و تعمیق فرهنگ دینی در جامعه ما بیش از هر چیز منوط به تبیین چگونگی تعامل دولت و دین و تعیین کیفیت مناسبات این دو نهاد برجسته و کارآمد است. در این میان، باید نقش و جایگاه مردم در نظام دینی و حکومتی، که خواهان تثبیت و گسترش الگوی «مردمسالاری دینی» هستند، نیز روشن گردد، زیرا این‌ها مسائلی است که اغلب در بوتۀ ابهام و اجمال باقی مانده است.

علاوه بر مسائل گسترده و مهم مذکور، تاکنون درباره تعیین حدود قلمرو دولت دینی در امور دین، پژوهش دقیق و چندانی صورت نگرفته است؛ یعنی با آنکه به تفصیل و مکرر، اما نه چندان عمیق، درباره دین و دولت و ضرورت دخالت و حضور و نقش‌آفرینی دین در امور دولت و حکومت سخن گفته شده است، از وجه متقابل این معادله یعنی رابطه «دولت و دین» و حدود قلمرو دولت در نهادهای دینی دچار کمبود پژوهش و نظریه‌پردازی هستیم و شایسته است که آگاهان دردمند و زمان‌شناس و مسئولان دلسوز به این مهم توجه بیشتری نمایند.

محورهای عمده برنامه‌ریزی سیاست‌های کلان جامعه باید برگرفته از فرهنگ و منابع پر بار دینی باشد و در نظام اسلامی ایران چه کسی بهتر از رهبری معظم انقلاب و مقام والای ولایت عهده‌دار هدایت جامعه به سوی اهداف متعالی اسلام بر مبنای فرهنگ و تعالیم دینی است؟ پس بدیهی است که در تبیین مسائل مهم فوق نیز از دیدگاه‌ها و رهنمودهای مقام رهبری، که ترسیم‌کننده خط‌مشی کلان و استراتژی نظام است، بهره گرفته شود.

علاوه بر سیاست‌های کوتاه‌مدت و برنامه‌ریزی‌های زودگذر، در تبیین سیاست‌های میان‌مدت و به‌ویژه درازمدت، نقش رهبری بیشتر اهمیت و مداخلیت می‌یابد و از این رو، جهت‌گیری‌ها و رهنمودهای ایشان می‌تواند راهگشای بسیاری از بن‌بست‌ها و مشکلات و بر طرف‌کننده بسیاری از ابهامات و اشتباهات باشد، به‌ویژه که تعیین سیاست‌های کلی نظام با استفاده از نظرات مجمع تشخیص مصلحت از اختیارات رهبری و مصرح در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز هست.

متن حاضر، مدخل و کوششی آغازین در مسئله‌شناسی و پاسخگویی به پرسش‌هایی است که در پی می‌آید که با محوریت و بازخوانی مجموعه ۹ جلدی «حدیث ولایت»^۱ و ده‌ها مأخذ دیگر (اعم از کتاب، مجله، نشریه و روزنامه) که حاوی گفتارها، سخنرانی‌ها و بیانات راهبردی رهبر معظم انقلاب است و بخشی از آن‌ها حتی شامل سخنان ایشان در دوران ریاست جمهوری‌شان می‌باشد فراهم آمده است.

نوشتار حاضر مشتمل بر مقدمه، دو بخش اصلی و مؤخره است:

۱. حدیث ولایت، مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری، ۹ ج، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی،

بخش اول مربوط به مباحث نظری قلمرو دین در دولت است که خود مدخل و مقدمه‌ای برای بخش دوم به شمار می‌رود. بخش دوم که بخش اصلی و مفصل‌تر این نوشتار را تشکیل می‌دهد، عهده‌دار تبیین کم و کیف و حدود نقش و دخالت دولت در قلمرو دین است.

در باب تدوین مجموعه حاضر، ذکر نکاتی لازم است که به شرح زیر فهرست می‌گردد:

- این نخستین بار است در قالب بحثی مبسوط، به ارائه دیدگاه مقام معظم رهبری در خصوص مبانی نظری حکومت اسلامی و کیفیت رابطه دین و سیاست پرداخته می‌شود، لذا تلاش حاضر بدون نقصان نخواهد بود به ویژه آنکه کمیت سخنان رهبر معظم در تبیین مبحث فوق، فراوان نیست؛ هر چند همین مقدار از اهمیت و کیفیت بسزایی برخوردار است و باید بیش از این مورد تحلیل محتوایی قرار گیرد.

- کمبود مجال و کمبود منابع نیز مشکل دیگری در انجام این کار بود. به‌طور مثال با کمال تأسف در مجموعه «حدیث ولایت» هنوز هیچ یک از سخنرانی‌های مهم دهه اخیر ایشان به چاپ نرسیده و آخرین جلد حدیث ولایت مربوط به سال ۱۳۷۰ است.

- در عین حال، نزدیک به ۳۰۰ مورد از بیانات رهبر فرزانه انقلاب در این متن گردآوری و موضوع‌بندی شده است که بیش از یک سوم این نوشتار را تشکیل می‌دهد و چون حجم بیشتری به توضیحات و تفسیرها و مقدمه و جمع‌بندی گردآورندگان اختصاص یافته است، ترجیح دادیم که این پژوهش با قید «بر اساس دیدگاه مقام معظم رهبری حضرت آیت الله سیدعلی خامنه‌ای» آورده شود و از محدوده گردآوری

موضوعی سخنان ایشان فراتر رفته و با تحلیل‌ها و تبیین‌های لازم، شرح و بسط داده شود.

• علاوه بر بیانات مقام معظم رهبری، ده‌ها مورد نقل قول از رهبر فقید انقلاب، حضرت امام خمینی (ره) نیز زینت‌بخش صفحات این مجموعه است. همچنین مواردی نیز مستند به آیات قرآن کریم، احادیث شریف و سخنان و تفسیرهای گوناگون از اندیشمندان مختلف به تناسب هر موضوع در متن گنجانیده شده است.

در پایان، از تلاش‌های آقای حسین علیزاده و دیگر همکارانشان آقایان سید مهدی بزرگی و سلمان رضوی که در پژوهش این اثر همکاری نموده‌اند، سپاسگزاری و قدردانی می‌شود.

شایان ذکر است که با توجه به اهمیت موضوع و لزوم بهره‌برداری از دیدگاه اندیشمندانی که در ۲۵ سال گذشته عهده‌دار مسئولیت‌های اصلی در نظام جمهوری اسلامی بوده‌اند، آثار مشابهی در این زمینه تهیه شده که متعاقباً چاپ و ارائه خواهد شد.

محمد جواد ابوالقاسمی

مدیر مؤسسه فرهنگی هنری عرش پژوه

دفتر مطالعات توسعه فرهنگ دینی

مقدمه

موضوع حدود و چگونگی تعامل دولت و دین، از دیرباز همواره بسیاری از اندیشمندان را به خود مشغول داشته است. در این خصوص، سیاستنامه‌ها و اندرزنامه‌های متعددی به نگارش درآمده و برخی از وزرای دانشمند (عالم به مسائل دینی) در دربار پادشاهان، سعی در اعمال نظر (دینی) خود در اوامر حکومتی داشتند که از بارزترین موارد آن در تاریخ ما، عصر صفویه است.

ایران در دوره معاصر، به‌ویژه عصر پهلوی اول، شاهد تقابل و تنش‌هایی بین عالمان دینی و دولت بوده است. در عصر پهلوی دوم به شکلی ظریف‌تر در مبارزه با دین و یا لاقابل بر کنار ماندن دین از مسائل حکومتی تلاش می‌شد تا اینکه این تقابل‌ها به اوج خود رسید و رهبر کبیر انقلاب، حضرت امام خمینی (ره)، به پشتوانه حمایت مردم مسلمان و دیندار، دولت طاغوت را برانداخت و دولتی دینی را بر جای آن نشاندد.

دولت جمهوری اسلامی ایران، یکی از وظایف خود را هدایت جامعه و تبلیغ دین می‌داند، پس به تبع آن، در اختیار گرفتن نهادهای دینی را امری لازم تلقی می‌کند. شایان ذکر است که دولت در دوره‌هایی سعی در ادغام بعضی از نهادهای دینی (مانند مرجعیت) در خود داشته است. از طرفی برخی نهادهای دینی (مانند وقف) را تقریباً به‌طور کامل تحت نظارت خود درآورد و در عین حال برخی دیگر از نهادها (مانند مسجد) نیز دو وجه مدنی و دولتی یافتند.

در نظام جمهوری اسلامی، در باب لزوم دخالت دولت در دین تردیدی وجود ندارد، اما در پاسخ به این سؤال که حدود این دخالت چقدر است و تا کجاست، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد: عده‌ای معتقدند دولت نباید در این نهادها که به حیطة جامعه مدنی متعلق است مداخله کند، حتی اگر عدم دخالت دولت باعث شود که برخی امور بر زمین بماند.

دسته دوم معتقدند که دولت، وقتی صفت یا صبغه دینی گرفت (دولت دینی) باید همه امور دینی را تحت نظارت و تصدی خود قرار دهد و سرانجام دسته سوم به مداخله‌های موردی دولت در حد لزوم قائلند، به این معنا که آنجا که خود جامعه نتوانست متکفل انجام امور دینی شود، دولت باید پا به میدان بگذارد.

مصادیق این دسته‌بندی را می‌توان در حوزه‌های علمیه یافت که گروهی معتقدند اصولاً نباید دولت در حوزه‌ها دخالت کند و متقابلاً حوزه‌ها نیز نباید از امتیازات دولتی (مانند بهره‌گیری از عواید شرکت‌ها و مؤسسات مصادره شده یا استفاده از رانتهای دولتی) برخوردار شوند. چون این امر مستلزم آن است که این حوزه‌ها از اتکا به جامعه به طور مستقیم محروم بمانند و مجبور شوند به خاطر داد و ستد مالی از منویات دولت‌ها تبعیت کنند و به اصطلاح ابزار یا حامی دین دولتی شوند.

گروه دوم معتقدند آموزش دینی نیز مانند سایر آموزش‌های عمومی است و حوزه‌ها نیز می‌توانند از امکانات دولتی برای پیشبرد این امور بهره بگیرند و در صورت دینی بودن حکومت، منعی برای این کار نمی‌بینند.

و در نهایت دسته سوم بر این اعتقادند که آموزش دینی نباید دولتی بشود ولی هنگامی که وجوهات شرعی نمی‌توانند مدارس دینی را اداره کنند باید از امکانات دولتی بهره گرفت.

یکی از معضلات ناشی از وجود ابهام در نسبت نهادهای دینی و دولت، نامشخص بودن مرجع سیاستگذاری، برنامه‌ریزی و اجرا در حیطه فرهنگ دینی است؛ آیا انجمن‌های دینی و هیئت‌های مذهبی نیز برای فعالیت باید مانند دیگر انجمن‌ها از دولت مجوز بگیرند یا اینکه این جواز دادن ناقض استقلال سستی آن‌هاست؟ آیا دولت می‌تواند تا آن حد به تبلیغات دینی بپردازد که تبلیغات دینی توسط نهادهای مستقل را ناکارآمد کند؟ از دیگر معضلاتی که در اثر دخالت دولت در دین، در دوره بعد از انقلاب گسترش یافت مسئله مالیات‌هاست. در سال‌های قبل از انقلاب، مؤمنان با ظالم دانستن دولت، خود را از دادن مالیات‌های عمومی آزاد می‌دانستند و تا می‌توانستند از زیر بار آن‌ها شانه خالی می‌کردند. اما پس از انقلاب که دولت مشروعیت دینی هم دارد جمع میان هر دو مالیات برای اقدام دشوار شده است. در این میان، گروهی معتقدند که هر دو مالیات را باید داد (اهل شریعت که دولت را نیز مشروع و قانونی می‌دانند)، گروهی دیگر مالیات را فقط مالیات شرعی می‌دانند و معتقدند دولت نباید مالیات غیر شرعی از مردم بگیرد. این دسته صرفاً وجوهات شرعی را می‌پردازند و مالیات‌های عمومی را از سر ناچاری پرداخت می‌کنند و تا بتوانند از آن می‌گریزند و گروهی نیز بر اساس تفاسیر تازه از دین، مالیات‌های شرعی موجود را متعلق به دوره پیامبر و صدر اسلام دانسته و معتقدند که بر اساس مقتضیات زمان باید مواردی که مالیات از آن‌ها اخذ می‌شود تغییر کند و مالیات مشروع همان مالیاتی است که امروز دولت‌های قانونی و مشروع از مردم می‌گیرند.

در نتیجه، دو حوزه دولت و نهادهای دینی، که هر دو به گستره عمومی مربوط می‌شوند، در نحوه تأمین هزینه‌های خویش در مواردی همپوشانی یافته‌اند. مالیات‌های شرعی تا آنجا که به کار تأمین نیازهای عموم مردم

می‌آیند با مالیات‌های عمومی یک کارکرد دارند، اما آنجا که به تأمین هزینه‌های نهادهای دینی اختصاص می‌یابند با کارکرد مالیات‌های عمومی فاصله می‌گیرند. کسی که مالیات‌های شرعی را در مالیات‌های عمومی ادغام می‌کند به ناچار باید تأمین هزینه نهادهای دینی را نیز به دولت واپگذار که این امر مستلزم ادغام نهادهای دینی در دولت است.

از سوی دیگر، دولت‌ها همواره خواهان تقویت مشروعیت خویش از سوی نهادهای دینی هستند و در مقابل نهادهای دینی از دولت‌ها انتظار دارند که از آن‌ها حمایت کنند. نهادهای دینی در نظام سیاسی دینی - اخذ مشروعیت از دین - در عین مقاومت در برابر ادغام، همواره چشم به حمایت دولت دارند و در برابر این حمایت‌ها باید همواره مشروعیت حاکمیت را تقویت کنند.

در زمان حیات امام خمینی (ره) همکاری و پیوند نزدیکی میان نهادهای دینی و حکومت برقرار بود، اما این پیوند را نمی‌توان به معنی ادغام و پایان یافتن اصطکاک‌های این دو نهاد دانست. در آن دوران به واسطه اقتدار فرهمندانه رهبری و نیز حساسیت‌های زمان جنگ، همکاری میان نهادهای دینی و حکومتی پررنگ بود اما ادغام ساختاری به این معنا که دولت مستقیماً اداره نهادهای دینی را برعهده بگیرد صورت نگرفت.

برای تبیین رابطه دولت و دین، رویکردهای متعددی می‌توان اتخاذ کرد:

(۱) رویکرد دولتی؛ در این دیدگاه دولت به صورت تمامیت‌گرا در همه امور از جمله امور دینی دخالت فعال دارد.

(۲) رویکرد مردمی؛ در این رویکرد که نقطه مقابل دیدگاه اول است امور دینی از طریق مردم و نهادهای مردمی انجام می‌گیرد.

۳) رویکرد دولتی - مردمی؛ در این دیدگاه مانند دیدگاه اول امور دینی زیر نظر و به تأیید دولت است اما ظاهراً توسط مردم انجام می‌شود.

۴) رویکرد مردمی - دولتی؛ این دیدگاه عکس نظر سوم است. یعنی امور دینی توسط نهادهای مردمی ولی با حمایت دولت انجام می‌گیرد.

رویکرد اخیر از رهنمودهای مقام معظم رهبری قابل استنتاج است و مناسب‌ترین الگو برای تعامل دولت و دین است.

از منظری دیگر، رویکردهای دیگری هم در این باب قابل طرح است، از جمله:

۱) رویکرد تاریخی: در این رویکرد، با توجه به سرگذشت تاریخی دین و دولت و نسبت آن‌ها در طول تاریخ، رابطه بین دین و دولت تبیین می‌شود.

۲) رویکرد جامعه‌شناسی دین: در این رویکرد، تأکید بر نهادهای دینی است و از منظر نهادهای دینی به مثابه نهادهای اجتماعی، رابطه دولت و دین تبیین می‌شود. نسبت نهادهای دینی و دولت از آن جهت برای جامعه‌شناسان دین قابل توجه است که نهادهای دینی در ایفای نقش‌های خود مرتباً با دولت درگیرند، نهادهای دینی در پاسخ به نیازهای دینی افراد (مانند پرستش) با نهادهای دیگر درگیرند.

۳) رویکرد کلامی: در این رویکرد، نهادهای دینی از آن جهت که نهادهای بشری هستند مد نظر قرار نمی‌گیرند بلکه از آن جهت که به عالم قدسی و امر قدسی مرتبط هستند بررسی می‌شوند.

۴) رویکرد فقهی: در این رویکرد، احکامی که در ابواب و کتب فقهی در مورد نهادهای دینی حکومت صادر شده است مورد توجه قرار می‌گیرد.

۵) رویکرد حقوقی: در این رویکرد، رابطه حقوقی میان نهادهای دولتی و نهادهای دینی در چارچوب قانون اساسی و مدنی و دیگر قوانین جاری مورد مطالعه قرار می گیرد.

در این میان، رویکرد ما جنبه ترکیبی دارد؛ هر چند رویکرد جامعه شناسی دین و رویکرد کلامی، فقهی و حقوقی در آن غلبه دارد.

برخی از جامعه شناسانی که در حوزه دین قلم زده اند، ساختار و کارکرد رابطه نهادهای دینی و دولت را بررسی و ابهامات و زوایایی را روشن کرده اند. به عنوان نمونه، یکی از آنان می نویسد:

«به طور کلی پنج نوع کارکرد را می توان در نهادهای دینی مشاهده کرد: تبلیغی، آموزشی، اقتصادی، آیینی و رهبری. نهادهایی که کارکرد آن ها هر یک از این پنج مورد هستند به ترتیب عبارت اند از: روحانیت، حوزه، مالیات های شرعی و وقف، مسجد (و نیز حسینه و مهدیه) و مرجعیت».^۱

در جدول زیر این نهادها با نهادهای متناظر دولتی خویش در برابر یکدیگر نهاده شده اند.

کارکرد	نهاد دینی	نهاد دولتی
زعامتی	مرجعیت	نهاد رهبری
تبلیغاتی	روحانیت / مسجد	رادیو- تلویزیون دولتی / وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه / مرکز تبلیغات اسلامی غرب کشور / ائمه جمعه / سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی

۱. مجید محمدی، دین علیه ایمان مباحثی در جامعه شناسی دین، تهران، کویر، ۱۳۷۸، ص ۳۵۱ و ۳۵۲.

کارکرد	نهاد دینی	نهاد دولتی
آموزشی / پژوهشی	حوزه	دانشگاه
آیینی (مناسک و شعائر)	مسجد / حسینیه / مهدیه / هیئت‌های مذهبی	---
اقتصادی - اجتماعی (مالی - خیریه)	وقف / مالیاتی شرعی (فطریه، خمس، زکات، صدقات، کفارات، نذورات، تبرعات) و صندوق‌های قرض‌الحسنه	سازمان تأمین اجتماعی / کمیته امداد امام / بانک‌ها / سازمان بهزیستی

منبع: همان‌جا.

بدین ترتیب، مجموعه‌هایی به‌طور خاص، در قلمرو دولت است؛ مجموعه‌هایی نیز صرفاً دینی است، ولی اغلب نهادهای مذکور تحت تأثیر مشترکات دین و دولت است که حوزه تعامل و ترابط این دو نیز همان‌هاست و شایان بررسی و توجه بیشتر است که در پی خواهد آمد.